

ستون اول

چپ در بوته آزمایش

جامعه تحت ستم و استبداد ایران بیش از هر کجای دنیا تشنه آزادی و برابری است. آزادی از قید و بندهای ارتجاع مذهبی، آزادی از استبداد و زورگویی و پایمال شدن حرمت‌های انسان... و برابری در استفاده از نعمات زندگی و رهایی از فقر و فلاکت و بیکاری. این پرچم امروز بر فراز جامعه ایران بر افراشته شده است. دهها میلیون انسان کارکن جامعه از کارگر و کارمند و معلم و پرستار و زن اسیر آپارتاید جنسی و جوان محروم از شادابی و لذتهای دوران جوانی و خواستار رفاه و سلامت جسمی و روحی، در زیر این پرچم قرار میگیرند. دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب افتخار بر افراشتن علنی و شجاعانه این پرچم را از آن خود کرده اند.

در دهه های اخیر نه تنها در ایران بلکه در جهان نیز، هیچگاه جنبش آزادیخواهی و برابری طلبی چنین موقعیت اجتماعی و گستردگی و سمپاتی عمومی را به همراه نداشته است. و این مدیون انسانها و فعالین و رهبرانی است که با دستهای توانای خود در یکی از سیاه ترین نظام های استبدادی جهان امروز، این پرچم را به قیمت شکنجه و زندان و تحمل مشقاتی به شدت نفس گیر، بر افراشته اند.

اگر چپ در کلیت خود و با هر گرایش سیاسی و تفاوت تشکیلاتی و حزبی و با هر درجه اختلاف در سیاستها و تاکتیکها، بپذیرد که آزادیخواهی و برابری طلبی آرمان و آرزوهای میلیونها کارگر و زحمتکش زن و مرد و جوان جامعه ما است، بنابر این میبایست همه نیرویش را در خدمت این جنبش عظیم انسانی و اجتماعی قرار دهد.

اگر نیروها و جریانات و گرایشان مختلف جبهه چپ، قدر این فرصت تاریخی را که نصیبش شده یا کرده اند را نداند و ارجش ننهد، دور آن حلقه نزند و پرچمش را با افتخار در دست نگیرد، سرنوشتی جز این که تا حالا داشته نخواهد داشت. سرنوشتی غم انگیز و اسیر تار عنکبوت فرقه گرایی و تنگ نظری و سکتاریسم حقیر و حاشیه نشینی تاریخی چپ سنتی ایران و جهان. ص ۴

دیدار هفته در تلویزیون پرتو

کوروش مدرسی



- لشکر یک طبقه
- ۸ مارس یک روز اعتراض بشریت

... ما از اول گفتیم که اتفاقی که روز ۱۳ آذر افتاد عروج جنبشی است که دارد از عمق جامعه و از طبقه کارگر آن جامعه تغذیه میکند و انرژی اش را میگیرد. و به اصطلاح نوک کوه یخی است که تهش آنجاست. این اتفاقات دارد نشان می دهد که همین واقعیت است. ص ۲

اجتماعات اعتراضی ۱۶ فوریه در حمایت از دانشجویان دربند و زندانیان سیاسی

ص ۶ و ۷



پیام دانشجویان آزادی خواه و برابری طلب به شرکت کننده گان در اجتماعات و تظاهرات ۱۶ فوریه در سراسر جهان

ص ۸

تنها مرجع صلاحیت دار برای تعیین و افزایش دستمزد، نماینده گان واقعی کارگران است ص ۵

پیام حزب کمونیست کارگری حکمتیست به کنگره حزب کمونیست کارگری عراق ص ۴

برگزاری فستیوال آدم برفی ها در اشنویه با استقبال وسیع مردم روبرو شد

ص ۵

ساعات پخش تلویزیون پرتو

۸:۳۰ تا ۹:۳۰ هر شب به وقت تهران
تکرار: روز بعد ۲:۳۰ تا ۳:۳۰ بعد از ظهر، هات برد، کانال ۶

پرتو نشریه مزب کمونیست کارگری - حکمتیست هر هفته دو شنبه ها منتشر می شود!

پرتو را بفوانید و به دوستان خود معرفی کنید!

سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است

دیدار هفته در تلویزیون پرتو

کوروش مدرسی

شکر یک طبقه

پرتو: مطلع هستید که هم کنفدراسیون اتحادیه های کارگری آزاد و هم فدراسیون اتحادیه های کارگری بخش حمل و نقل روز ۶ مارس را بعنوان روز جهانی حمایت از آزادی اسالو و محمود صالحی اعلام کرده اند. و این درست در روزهایی است که اخباری از وخامت وضعی سلامتی محمود صالحی از زندان میرسد. فکر می کنید این روز چه اهمیتی دارد که نه تنها جریانات مختلف ایرانی بلکه اتحادیه های مختلف کارگری همراه خود این اتحادیه های اصلی اعتراض می کنند.

کوروش مدرسی: این هم مثل روز ۱۶ فوریه به نظر من یک روز بسیار مهمی است. جمهوری اسلامی یک نقطه ی آسیب پذیرش خارج کشور است. این را قبلا هم راجع به ۱۶ فوریه گفته ام. اعتراض علیه جمهوری اسلامی در خارج کشور اعتراضی است که بلا فاصله تبدیل میشود به فشار روی جمهوری اسلامی. برعکس این تصور که گویا خارج کشور تاثیر ندارد این فشار جمهوری اسلامی در خیلی موارد به عقب نشینی وادار میکند. مورد اسالو و محمود صالحی هم از آن مواردی است که اوج ضدیت این رژیم با اساسی ترین منفعت و حقوق انسانی در آن جامعه را نشان می دهد. و وظیفه همه ما است که با همه توان در چنین اعتراضاتی شرکت کنیم. به نظر من این وظیفه هر انسان آزادی خواهی است که در این اعتراض شرکت کند.

این هم چهره ی دیگری از همان مبارزه است که ۱۳ آذر بود. اینها جبهه های مختلف یک جدال اند و به هم مربوط اند و

از هم انرژی میگیرند و به هم رنگ میدهند و در نتیجه به همان اهمیت اعتراضات ۱۶ فوریه است و باید در آن شرکت کرد. فاکتور دیگری که باید به آن توجه کرد این است که اتحاد و برادری و رفاقت و منفعت مشترک طبقه کارگر در سطح جهانی یک بار دیگر به همان درجه ای که هست زیر نورافکن میگذارد و طبقه کارگر در سطح دنیا یک بار دیگر تکانی هر چند کوچک میخورد که ما منفعت یکسانی داریم. هر چند که جنبش اتحادیه ای در اروپا

پرتو: همانطور که شما هم اشاره کردید، اینکه محمود صالحی و منصور اسالو و جریان آزادی خواهی و برابری طلبی در دانشگاهها علی العموم جبهه های مختلف یک جنبش را تشکیل میدهند، در اعتراضات خارج کشور اتفاقا خیلی جالب اینها در کنار هم قرار میگیرند.

در مبارزه طبقه کارگر بخشی هست که بهر طریقی شده می خواهد فقط مبارزه را اقتصادی معنی کند. فقط صنفی و اتحادیه ای معنی کند. اما امروز در اعتراضات دانشجویان عکس فعالین کارگری بالا میروند و یا در اعتراض فعالین کارگری عکس رهبران دانشجویی بالا رفته است.

شما تظاهراتی را نمی بینید برای آزادی دانشجویان که عکس محمود صالحی و اسالو در دست اعتراض کننده ها نباشد. عکس این هم صادق است. روز ۶ مارس که روز همبستگی با جنبش کارگری ایران است باز هم عکس دانشجویان در کنار عکس کارگران در کنار هم خواهد بود. یعنی در هر صف اعتراض این چهره ها به عنوان نماینده گان فعالین و سخن گویان جنبش آزادی خواهی و برابری طلبی در دست همه هست.

کوروش مدرسی: ببینید، خیلی ها هستند در درون جنبش سیاسی و در اعتراضات سیاسی که معنی جنبشی اعتراضات را متوجه نیستند.

مثلا وقتی که سنت مجاهد، سنت نهضت آزادی، سنت اسلام سیاسی و نیمچه سیاسی، میاید اعتراضی بکنند عکس همه آدمهایشان را میاورند. آدمهایی که با

آن معرفی میشوند. از حنیف نژاد گرفته تا طالقانی و آن چهره های که جنبششان با آنها بازشناسی می شود آنها را به جلو صحنه میاورند و عکسشان را به دست میگیرند و خودشان را با آنها تداعی میکنند. جنبش کارگری هم به یک معنی اینگونه هست.

در مبارزه طبقه کارگر بخشی هست که بهر طریقی شده می خواهد فقط مبارزه را اقتصادی معنی کند. فقط صنفی و اتحادیه ای معنی کند. امروز اگر در اعتراضات دانشجویان عکس فعالین کارگری بالا میروند و یا در اعتراض فعالین کارگری

می بینید که عکس رهبران دانشجویی رفته بالا، وقتی کارگران پتروشیمی در حمایت از دانشجویان دستگیر شده اطلاعیه میدهند یا کارگران در جاهای مختلف اعلام حمایت میکنند، این نشان میدهد که یک جنبشی دارد علی رغم هر پشت پایی که به آن میزنند دارد به جلو میاید و میگوید من ابعادم را می شناسم و به نظر من این به درجه ای علامت بلوغ آن جنبش است که جبهه های مختلفش را می شناسد. ما از اول گفتیم که اتفاقی که روز ۱۳ آذر افتاد عروج جنبشی است که دارد از عمق جامعه و از طبقه کارگر آن جامعه تغذیه میکند و انرژی اش را میگیرد. و به اصطلاح نوك كوه یخی است که تهنش آنجاست.

این اتفاقات دارد نشان می دهد که همین واقعیت است. علی رغم سکتاریسم این یا آن گروه، علی رغم صنفی گری این یا آن اتحادیه، علی رغم محدودنگری این یا آن بخش الان نه تنها آزادی خواهی و برابری طلبی در آن جامعه دارد خود را با چپ تداعی میکند بلکه خود آگاهی چپ نسبت به ارتباط جنبشی اش با طبقه کارگر و با





خود آگاهی طبقه کارگر و فعالین طبقه کارگر نسبت به ارتباطش با این جنبش به درجه ی زیادی بالا رفته و این هم یکی از آن جنبه هایی است که در جمع بندی ۱۳ آذر و ۱۶ آذر امسال باید به آن توجه کرد.

این هم جزو دستاوردهایی است که سالهای سال بود در سطح جامعه ی ایران و جهان غایب بود و امروز میبینیم که اتحادیه ی حمل و نقل انگلیس هم اعلام تظاهرات می کند همراه آن عکس دانشجویانی که ازاد شده اند و آنهایی که هنوز در زندان اند، از بهروز کریمی زاده تا مهدی گرایلو و سعید حبیبی و همه آنهایی که دستگیر شدند عکسهایشان هست.

اینها به اصطلاح يك لشکر اند. ارتش يك طبقه اند. و این دستاورد بسیار بزرگی است برای چپ که در تاریخ اخیر ایران بی سابقه است.

باید قدر آن را دانست و باید آن را به حساب آنهایی گذاشت که این ماجرا را ممکن کردند.

پرتو: در دروه اخیر شما اگر به زندانها نگاه کنید اساسا چپها، سوسیالیستها، آزادی خواهان و برابری طلبان، و فعالین کارگری، رهبران دانشجویی و تا فعالین اجتماعی و فعالین حقوق زن در جاهای مختلف. بیشتر اینها به زندان افتاده اند در این دوره. فکر نمیکنید که این بیشتر وسعت این جنبش را نشان میدهد؟

کوروش مدرسی: راستش الان نمیدانم تعداد زندانیان چپ بیشتر است یا جنبشهای دیگر. ولی آنچه که تعیین کننده است این است که کسی که دستگیر میشود یا کسانی که دستگیر میشوند و یا حرکتی که زیر ضرب دستگاه امنیتی جمهوری اسلامی میروند، این چه بازتابی در جامعه پیدا میکند. الان ممکن

است به فرض ده نفر از دانشجویان تحکیم را هم بگیرند، نمیدانم این کار را میکنند یا نه، ولی باید تلاش کرد که آزاد شوند. ولی تحکیم دیگر آن پرچمی نیست که این بازتاب را در جامعه پیدا کند.

امروز ممکن است ۲۰ نفر از طرفداران هخا را هم بگیرند ولی هخا دیگر آن پدیده ای نیست. یا ۲۰ نفر از طرفداران

جنبش آزادی و برابری، جنبش طبقه کارگر و جنبشی که میخواهد در نهایت سوسیالیسم را در جامعه پیاده کند، نه تنها نمیتواند نسبت به مسئله زن و ۸ مارس بی تفاوت بماند بلکه عمیقا با آن درگیر است و آن را بخشی از جنبش خودش میداند.

آقای خاتمی را هم بگیرند، این اتفاقات کماکان میتواند بیافتد و تعداد دستگیر شده ها الزاما علامت حقانیت و قدرت یا ضعف يك جریانی نیست. بلکه مهم جایگاهی است که آن اعتراض در جامعه پیدا میکند.

کوروش مدرسی: ۸ مارس یکی از مهمترین روزهای تاریخ اعتراض بشری است از قرن ۲۰ تا امروز که در چند سال اولیه ی قرن ۲۱ هستیم. يك دلیل آن به خاطر موقعیت زن است. موقعیت زن در جامعه ایران و سراسر دنیا. که باعث شرم بشریت است.

نصف بشریت را به يك موقعیت عقب مانده رانده اند. و حتی در جاییکه به او موقعیت برابر میدهند موقعیتی است که نقش مردها را بازی کند نه نقش خودش را. بااصطلاح به جلد مرد برود.

مثلا امکان این را پیدا کند تا کشیشی شود تا همان کاری را که مردها میکنند، زنان را تحقیر میکنند، این نقش را ایفا کند. یا مثلا ژنرالی شود که آدم میکشد. یعنی بخشا تبدیل شده به بخشی از جیش زنان صاحب منصب و دنبال شغل. منتها

بخش عظیم زن در جامعه جهانی از چین تا آفریقا، از افغانستان تا ایران، از خود آمریکا موقعیت بسیار تکان دهنده ای دارد. مثل همه بخش های جامعه نصف طبقه ی ما

حالیکه جمهوری اسلامی میخواهد حلقه خفقان و فشار را تنگ تر کند.

محک باید جامعه باشد. آن صدایی که در جامعه پژواک پیدا میکند. امروز صدای اصلاح طلبی رژیم یا نیمه رژیم یا ناسیونالیستی دیگر در جامعه ایران کمتر از سابق پژواک دارد. در نتیجه ما صدای چپ را می شنویم. این پدیده است که دارد اتفاق می افتد و جایگاه جدیدی به چپ و نیروهای چپ در آن جامعه داده است. که اگر متوجه آن نشوند به نظر من به طرز بدی می بازند. و اگر نروند در آن پستی که هر کسی از دانشجویان آزادی خواه و برابری طلب گرفته تا کسانی که در احزاب سیاسی اند، که چپ امروز در يك موقعیت دیگری در جامعه ایران قرار گرفته است.

۸ مارس

یک روز اعتراض بشریت

پرتو: شما به روز ۶ مارس روز همبستگی با جنبش کارگری ایران، محمود صالحی و منصور اسالو اشاره کردید.

زن هستند و بلاواسطه مسئله زن مربوط است به منفعت سرمایه داری در جامعه. منفعت سرمایه داری ایجاب می کند که زن در این موقعیت باشد و در جمهوری اسلامی که آپارتاید جنسی تبدیل شده به نرم جامعه و این روزها هم شدید شده، بیشتر از هر چیز منفعت جمهوری اسلامی و روی کار ماندنش به موقعیت زن گره خورده است.

در نتیجه اگر از این سر نگاه کنیم جنبش آزادی و برابری، جنبش طبقه کارگر و جنبشی که میخواهد در نهایت سوسیالیسم را در جامعه پیاده کند، نه تنها نمیتواند نسبت به مسئله زن و ۸ مارس بی تفاوت بماند بلکه عمیقا با آن درگیر است و آن را بخشی از جنبش خودش میداند.

مسئله زن را بخشی از مسائل خودش می داند و باید در جلو صف آن قرار بگیرد. اگر حضور ذهن داشته باشید حتی انقلاب فوریه ۱۹۱۷ روسیه روز ۸ مارس شروع شد. یعنی در حول سازمان یابی مارش های روز ۸ مارس به مناسبت مسئله زن شروع میشود.

۸ مارس جایگاه مهمی در اعتراض طبقه کارگر دارد. و جایگاه مهمی در اعتراض بشریت دارد. و بخصوص امروز همانطور که اشاره کردیم، جمهوری اسلامی وقتی هر کسی را میخواهد بزند با يك دستش هم زنان را سرکوب می کند به هر دلیلی یعنی هر اتفاقی بافتد با يك دستش هم به زنان تعرض میکند،

امروز اعتراض به جمهوری اسلامی، جمع شدن حول مسئله زن، بزرگ داشت ۸ مارس، روشن گری کردن راجع به ابعاد مختلف ستم بر زن، ابعاد به شدت پیچیده و عمیق ستم بر زن، اهمیت بسیار بالایی پیدا میکند*

پیام حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست به کنگره چهارم حزب کمونیست کارگری عراق

**رفقای عزیز،
شرکت کنندگان کنگره!**

برگزاری کنگره چهارم حزب کمونیست کارگری عراق برای حزب ما، و برای همه کمونیستها در هر جای دنیا که باشند، یک رویداد مهم و امیدبخش است و موفقیت آن بی شک آرزوی همه ما و موفقیت بزرگ همه ماست.

کنگره شما در شرایطی برگزار می شود که پس از گذشت نزدیک به پنج سال از لشکرکشی آمریکا و متحدانش به عراق، حیات و امنیت و معیشت روزمره مردم آن جامعه و ابتدائی ترین آزادیها و حقوق سیاسی و مدنی شان همچنان قربانی سناریو سیاهی است که اشغال آمریکا و جدال قدرت دارودسته های ارتجاع اسلامی، قومی و عشیره ای، بر جامعه تحمیل کرده است. واضح است که رهائی از اشغال و از سلطه دارودسته هایی

که در سایه اشغال بر زندگی مردم جنگ انداخته اند، در صدر فعالیت و مبارزه هر نیرویی است که دست اندر کار ایجاد تغییری، بزرگ یا کوچک، در این اوضاع جهنمی است. طبقه کارگر سنگین ترین بار فلاکت و ناامنی و کشتار و آوارگی ناشی از این اوضاع را بر گرده دارد و هیچ چیز طبیعی تر از آن نیست که این طبقه و پیشروان کمونیست آن، پرچمدار قاطع و نیرومند خارج کردن جامعه عراق از مهلکه کنونی و سوق دادن بیوقفه آن بسوی آزادی و برابری، بسوی سوسیالیسم و رهایی باشند.

آنچه امروز بر عراق می گذرد، بخش وقیحی از همان بساط نفرت انگیز و پر مصیبت و مشقت است که نظام گندیده سرمایه داری، مشخصا در این مقطع از جدال قدرتهای امپریالیست بر سر تجدید تقسیم جهان، بر گوشه و کنار دنیا حاکم کرده است. پاسخ واقعی و

گشته و به فقر و فلاکت و تن فروشی و اعتیاد کشانده شده اند.

دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب نماد و سمبل و سازمان آرمان انسانی و میلیونی این جنبش است. هر جریانی چه مستقیما و در درون این جنبش و چه از بیرون آن و به هر بهانه ای به آن پشت کند و یا در آن شکاف و تفرقه ایجاد کند، جز در غلطیدن بیشتر در سنت فرقه ای چپ و انزوا نصیب خود نخواهد کرد. این چپ هیچگاه به اندازه امروز شانس برون رفت از این سنت را نیافته است.

هر جریان و شخصیت سیاسی، روشنفکری، کارگری و جوان و زنی که خود را چپ، سوسیالیست، کمونیست و از این طیف میدانند و فکر میکند این جنبش را میتواند بهتر رهبری کند، این گوی و این میدان. این بهترین میدان محک خوردن سیاستها و تاکتیکها و پراتیک همه است، همه ای که خود را متعلق به این جنبش میدانند و در اعتلای آن شرکت میکنند و از هیچ دلسوزی و مایه گذاشتی دریغ نمی ورزند.

چاره ساز به این بربریت استثمار و ستم قرن بیست و یکم، تنها سوسیالیسم است و عامل متحقق کننده آن طبقه کارگری است که به وسعت همه جهان حضور و قدرت اجتماعی دارد و چاره ای ندارد جز اینکه تغییردهنده رادیکال وضعیت موجود باشد. در وضعیت کنونی عراق نیز تنها نور انتهای این تونل سناریو سیاه، به میدان آمدن متشکل و قدرتمند طبقه کارگر و کمونیستهای آن جامعه است. کنگره شما بدون شک پیام آور این امید بزرگ و عزم راسختان به متحقق کردن آن است.

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست در مبارزه عظیم و رهایی بخشی که درگیر آن هستید، با تمام وجود در کنار شماست. ما هم امروز درگیر جدال سختی با رژیم سرپا ارتجاعی اسلامی در ایران هستیم، رژیمی که به هارترین و وحشیانه ترین شیوه ها

جنبش آزادیخواهی و برابری طلبی امروز در ایران، جنبش فرقه ها نیست. جنبش و آرمان و خواست حاشیه نشینان جامعه نیست. این جنبشی عظیم انسانی در همه گوشه و زوایا و عمق جامعه ما است. پرچم این جنبش قابل نزول نیست. این جنبش افت و خیز و عقب نشینی و پیشروی دارد، در همان حال تنها جنبشی است که در شرایط افول جنبشهای ارتجاعی و بورژوازی و ناسیونالیستی و مذهبی، شانس پیروزی بر ارتجاع و استبداد و استثمار را دارد. این جنبش پوسته فرقه ها را دریده و فراتر از آن پای به میدان نهاده است. هر کس میتواند با متعلق دانستن خود به این جنبش افتخار بزرگی را نصیب خود کند.

به جرات میگویم که اگر نزول و افولی در این جنبش در کار باشد، باعثش چپی است که این واقعیت شورانگیز را نشناسد و نفهمد، تا فشار و سرکوب جمهوری اسلامی. مانع و خطر جدی در پیشروی سریع و گسترده جنبش آزادیخواهی و برابری طلبی میتواند خود چپ باشد. چپی که این موقعیت تاریخی

از بنیادهای سرمایه داری دفاع می کند و طبقه کارگر، کل زنان جامعه و کل نسل جوان را به دشوارترین شرایط استثمار و بیحقوقی و سرکوب انداخته است. امروز علاوه بر همسرنوشتی و همبستگی طبقاتی - جهانی، اوضاع سیاسی مشخص جاری در عراق و ایران نیز، بیش از هر زمان سرنوشت هر دو حزب ما و سرنوشت پیروزی کمونیسم طبقه کارگر در این دو جامعه را به هم گره زده است. امیدواریم کنگره چهارم شما بیشتر از پیش تجلیگاه همبستگی دو حزب و نویدبخش همکاری فعالانه تر و فشرده تر ما در آینده باشد.

بار دیگر با درود به همگی شما برای کنگره تان پیروزی کامل و برای مردم عراق آزادی و رهایی کامل آرزو می کنیم.

**حزب کمونیست کارگری ایران -
حکمتیست
فوریه ۲۰۰۸**

اش را درک نمیکنند و اسیر سکتاریسم و فرقه گرایی و رقابتهای بیمارگونه و خود محور بینی حقیر است، میتواند این جنبش را شکست دهد، نه استبداد و نه زندان و شکنجه.

رهبران جنبش آزادیخواهی و برابری طلبی از درون شکنجه گاههای رژیم و از اعماق جامعه آشکارا و جسورانه کل چپ را به شناخت این موقعیت و چنگ زدن به این جنبش فرا خوانده اند. چشمان امیدوار رهبران این جنبش به کارگران، زنان و همه انسانیهای دوخته شده که جنبش آزادیخواهی و برابری طلبی را راه نجات بشریت میدانند، راه نجات حرمت کارگر، زن، مرد و جوان میدانند.

چپ جامعه ما بخصوص بخش سازمانیافته و متشکل آن با هر ادعایی که دارد در بوته آزمایشی بس سرنوشت ساز قرار گرفته است. این چپ یا این افتخار را نصیب خود خواهد کرد یا بازنده این تاریخ بوده و محکومیت در مقابل آن را برای خود خواهد خرید *

تنها مرجع صلاحیت دار برای تعیین و افزایش دستمزد، نماینده گان واقعی کارگران است

هر اقدام یکجانبه دولت و کارفرما بر سر مساله دستمزدها و هر تفرقه افکنی آنان بین کارگران تحت عنوان قرار دادی موقت و دائم و به اصطلاح "دوگانه" ساختن دستمزدها" مردود و محکوم است. این نقشه های شوم به معنای صدور حکم تباهی و مرگ تدریجی میلیونی است و جرم است. جلو این اقدام غیرانسانی را باید گرفت. دستمزدها باید تا حد تامین کامل یک خانواده کارگری و متناسب با تورم افزایش یابد.

پاسخ به کارفرما و حامیانشان، اگر نمایندگان واقعی کارگران را سر میز مذاکره برای افزایش دستمزدها نپذیرند و یا به مطالبه افزایش دستمزد متناسب با تورم و تامین زندگی خانواده کارگری گردن نهند، اعتصاب سراسری و هماهنگ میلیونها کارگر است. علاوه بر آن معلمان و پرستاران و دیگر اقشار حقوق بگیر جزو در این مبارزه در کنار کارگران قرار میگیرند.

وظیفه همسرنوشتی و همبستگی بین المللی طبقه کارگر حکم میکند که همه تشکلهای کارگری و اتحادیه ها و سازمانهای بین المللی کارگری از افزایش دستمزد کارگران در ایران به نسبت تورم و تامین یک زندگی انسانی حمایت کنند.

حزب کمونیست کارگری-

حکمتیست

۲۶ بهمن ماه ۸۶
(۱۵ فوریه ۲۰۰۸)

جنبش سیاسی گره بزند. طبقه کارگر با شروع مبارزه ای هماهنگ و سراسری برای افزایش دستمزدها و دفاع از معیشت خود و کل زحمتشان جامعه، میتواند جبهه دیگری در برابر جمهوری اسلامی، در هماهنگی با کل جنبش آزادیخواهی و برابری طلبی در جامعه، بگشاید.

آزادی تشکل و اعتصاب حق بی بروبرگرد کارگران است. در غیاب این آزادیها و بدون مجامع عمومی و شوراهای و سندیکاها، طبقه کارگر محکوم به زندگی برده وار و خانواده های کارگری محکوم به فقر و گرسنگی مطلق شده اند. آزادی تشکل و اعتصاب یک شرط اساسی و یک ابزار تحقق افزایش دستمزد کارگران است.

بر فعالین و محافل پیشرو و سوسیالیست کارگری است که تسهیلات و ملزومات تشکلی مجامع عمومی را فراهم و در به سرانجام رساندن این پروسه نقش و وظایف مهمی را ایفا نمایند. جدال و کشمکش بر سر افزایش دستمزدها یعنی نجات طبقه کارگر و جامعه دهها میلیونی کارگر و معلم و پرستار و ... از فقر مطلق و گرسنگی محض و نجات خانواده ها از تباهی فیزیکی و روانی و مرگ تدریجی است. در برابر این فلاکت محض نباید سکوت کرد یا آن را تحمل نمود. کل جامعه را باید متوجه این فاجعه انسانی کرد که تعرض به جان و سلامتی و حرمت انسانی میلیونها زن و مرد و کودک و بازنشسته است.

شده در روابط کار و سرمایه در جهان و امری بدیهی و طبیعی است. وزارت کار، شوراهای اسلامی و خانه کارگر همگی منافع مشترکی را نمایندگی میکنند. منافع طبقه سرمایه دار

اکثریت کارگران را به کار با قرارداد موقت یا حتی بدون قرارداد محکوم کرده اند، یک قانون کاری که قانون بردگی است به کارگر تحمیل کرده اند، آزادی تشکل و اعتصاب را از کارگر گرفته اند. کارگر را به کار مجانی و بی اجر و مزد محکوم کرده اند. اینها دستمزد کارگر و دسترنجش را بین خود تقسیم کرده اند. در حالیکه حقوق وزیر و وکیل و اطلاعاتی و پاسدار و آخوند و امام جمعه و دیگر همکاران ریز و درشت رژیم که همه انگلهای جامعه اند، چندین برابر حقوق کارگر است و یک روز هم تاخیر نمیشود، اما همین چندرغاز دستمزد و دسترنج کارگری که تولید کننده همه نعمات جامعه است را چند ماه چند ماه نمیدهند. اگر هزینه های ارتش و اطلاعات و پاسدار و حزب الله لبنان و دارو دسته های فاشیست و تروریست منطقه و بچاپ بچاپ آغایان را حذف کنید، به کارگر بیشتر از چند برابر این حداقلی که دستمزد نام دارد میرسد.

تعرض کارفرماها و رژیم تنها به طبقه کارگر محدود نیست، به کل جامعه است. این وضعیت میتواند اعتصاب سراسری کارگری را به دنبال بیاورد. میتواند اعتصاب عمومی را دامن بزند. میتواند مبارزه اقتصادی و رفاهی را به

شرایط زندگی کنونی که به کارگران ایران تحمیل شده است را نمیشود بخور و نمیر هم بحساب آورد، فقر، گرسنگی مطلق است. در یک خانواده کارگری، زن اگر کار نداشته باشد که اکثرا ندارند، کارگر بیکار به حساب نیامده و بیمه بیکاری نمیگیرد. مخارج زندگی کل خانواده و تحصیل و درمان بچه ها همه بر عهده تنها نان آور خانه است. دستمزدهای تا کنونی حتی بارها از خط فقر مطلق پایین تر است. این بردگی و فلاکت محض است!

بحث و جدال بر سر افزایش دستمزد هر ساله بین کارگران و نمایندگانشان از طرفی و کارفرما از طرف دیگر است. اما در اینجا علاوه بر وزارت کار و کارفرما و مدیریت، انواع دم و دستگاههای دولتی قضایی و پلیسی و حراست کارخانه و شوراهای اسلامی و خانه کارگر طرف حساب کارگران هستند. صف آرابی کنونی و جارو جنجال شوراهای اسلامی و خانه کارگر بر سر مساله دستمزد ربطی به صف کارگران با کارفرماها و دولت ندارد. این دعوا میان دو طیف نمایندگان کارفرما و دولت است. جنگ زرگری است، دعوی خانگی است. کارگر در این دعوا نفعی نمیببرد.

تنها مرجع صلاحیت دار برای تعیین دستمزد پایه و افزایش آن متناسب با تورم و تامین زندگی مرفه خانواده کارگری، خود کارگران و نمایندگانشان است. هیچ نهاد و ارگانی حق دخالت در این مساله را ندارد. این امری پذیرفته

فستیوال با شکوه آدم برفی ها با شرکت بیش از پنج هزار نفر در اشنویه

امروز پنجشنبه ۲۵ بهمن ماه ۸۶ فستیوال آدم برفی در پارک جنگلی اشنویه برای دومین سال پیاپی و با شرکت بیش از پنج هزار نفر برگزار شد. این فستیوال با شکوه از طرف انجمن دوستداران محیط زیست اشنویه فراخوان داده شده بود.

مراسم از ساعت ۲ بعد از ظهر با حضور هزاران نفر شروع و تا ساعت ۷ ادامه یافت. نصب پلاکاردهای رنگارنگ با مضامینی همچون استثمار کودکان ممنوع، بهداشت رایگان برای همه کودکان، آموزش و پرورش رایگان، کشتار کودکان فلسطینی و عراقی ممنوع و... ساختن پیکره های آدم برفی از دیگر فعالیت های جمعی کودکان و خانواده هایشان بود که با اشتیاق ساعت ها به آن مشغول بودند. در محوطه پارک، نمایی زیبا به مراسم داده بود. پخش موزیک شاد در حین مراسم و رقص سبب ایجاد شور و نشاط بیشتری در میان هزاران نفر از کودکان و خانواده هایشان شده بود.

شایان ذکر است که برگزار کنندگان مراسم بوسیله ی سیستم صوتی نصب شده در محل مکررا به شرکت کنندگان خوش آمد میگفتند. در پایان مراسم اعلام شد که هفته ی آینده نمایشگاهی از عکسهای این فستیوال برگزار خواهند کرد.

اجتماعات اعتراضی ۱۶ فوریه در پاسخ به فراخوان دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب و حمایت از دانشجویان دربند و زندانیان سیاسی

روزهای ۱۵ تا ۱۷ فوریه، میدین و خیابانهای شهرهای بزرگ کشورهای اروپایی و آمریکا و کانادا شاهد حضور و تجمعات بزرگ و کوچک هزاران نفر زن و مرد بودند. مردم آزادیخواه در بخش بزرگی از جهان به فراخوان دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب به برگزاری میتینگ و تظاهرات و کنفرانسهای مطبوعاتی و اعتراض به رژیم برخاستند که بهترین فرزندان مردم را در زندانهایش تحت شکنجه وحشیانه قرار داده است. خواست فوری این تجمع ها در همه جا آزادی فوری دانشجویان زندانی و همه کارگران و زندانیان سیاسی دیگر بود. زنان و مردان سوسیالیست و دوستداران آزادی در این تجمعات اعلام کردند که تا آزادی همه زندانیان، به اعتراضات خود ادامه خواهند داد.

بزرگترین شهرهای اروپا شاهد اعتراض به جمهوری اسلامی بخاطر به بند کشیدن فعالین دانشجویی دانشگاههای ایران بودند!

در برخی از این اجتماعات قطعنامه و بیانیه هایی که به تصویب جریانات شرکت کننده رسیده بود صادر شده که یکی از نمونه های آن که در لندن به تصویب رسیده است ضمیمه میباشد.

تشکیلات خارج کشور حزب حکمتیست یکبار دیگر تاکید میکند که تا آزادی تمامی دانشجویان دربند از هیچ تلاشی دریغ نخواهد کرد. جمعی از شریفترین فرزندان مردم به یمن تلاش و فعالیتهای زنجیره ای و متحدانه مردم ایران، خانواده های این عزیزان و ایرانیان مقیم خارج و مردم انساندوست جهان از زندان رها شده اند.

هنوز تعدادی از رهبران جنبش دانشجویی در زندان و زیر وحشیانه ترین شکنجه های جسمی و روانی جلادان اسلامی هستند. مردم آزادیخواه اجازه نخواهند داد که دلسوزان مردم بخاطر فعالیتهای انسانی و آرمانهای والایشان در زندان بمانند. لذا تلاشهای انسانی در ایران و جهان تا آزادی تمامی این عزیزان ادامه خواهد داشت تا رژیم اسلامی به آزادی همه ی دانشجویان دربند و کارگران وزندانان سیاسی تن دهد.

زنده باد آزاد و برابری
مرگ بر جمهوری اسلامی

تشکیلات خارج کشور حزب
کمونیسست کارگری ایران -
حکمتیست

۱۸ فوریه ۲۰۰۸

چپ و انساندوست مانند عفو بین الملل پیام دادند و سخنرانی کردند و به حمایتشان از دانشجویان و مردم آزادیخواه ایران و کارگران زندانی مجددا تاکید نمودند. ایرج جنتی عطایی شاعر و ترانه سرای محبوب و از تلاشگران جدی برای آزادی دانشجویان زندانی با حضور خود در اجتماع لندن از دانشجویان حمایت کرد. در میان سخنرانها پیام ترجمه پیام "کن لوج" کارگردان محبوب و منتقد چپ انگلیسی خطاب به تظاهرات ۱۶ فوریه در لندن در حمایت از دانشجویان زندانی. قرائت شد. متن کامل پیام به این صورت بود: "من از کمپین (کارزار) شما حمایت می کنم و همبستگی خودم را با همه فعالین کارگری، سوسیالیست ها، دانشجویان و نویسندگان، بویژه امین قضایی که توسط دولت ایران زیر پیگرد ومورد مجازات قرار دارند اعلام می کنم. این غیر قابل تحمل است که انسانها این چنین مورد سرکوب و اذیت و آزار قرار می گیرند. من از همه مدافعان عدالت و حقوق بشر می خواهم که آزادی دستگیر شده گان را خواستار شوند".

در این اجتماعات هزاران نسخه اطلاعیه های حزب در میان مردم توزیع و بانرها و پلاکاردهایی که در دست شرکت کنندگان بودند بیانگر خواست و مطالبات دانشجویان، کارگران و مردم ایران که همانا آزادی و برابری و رهایی کلیه ی دانشجویان زندانی و فعالین کارگری بود، توجه مردم را بسمت خود جلب میکرد.

"نه" گفته بودند، در میان مردم وسیعا پخش کردند و علیه شکنجه و اذیت و آزار دانشجویان که بالغ بر ۷۰ روز است که ادامه دارد، برای مردم سخن گفتند و مردم را به حمایت از دانشجویان فراخواندند.

رهبران و کادرهای حزب حکمتیست در اجتماعات روز ۱۶ فوریه در کشورهای نروژ، سوئد، انگلستان و... سخنرانی کردند و در مورد جنبش آزادیخواهی و برابری طلبی که در دانشگاه های ایران جاری شده است و اینکه این جنبش صرفا به دانشگاه ها ختم نمیشود و بلکه به کل جامعه ایران از جنبش کارگری تا جنبش علیه آپارتاید جنسی و جنبش جوانان برای خلاصی از فرهنگ متعفن و متحجر اسلامی، مربوط است، سخنانی ایراد نمودند. سخنان پر شوری که حاوی آگاه گری در باره واقعیت های زندگی و مبارزه زنان، کارگران، جوانان و دانشجویان ایران، بود.

در لندن فاتح شیخ و سام آزاد، در اسلو مظفر محمدی، در گوتنبرگ سلام زیجی و در استکهلم مصطفی اسدیپور از جمله سخنرانان این اجتماعات بودند.

در شهر گوتنبرگ سوئد، ضمن تظاهرات اعتراضی شب همبستگی نیز برگزار شد که با استقبال گرم روبرو گردید.

در این اجتماعات پیامهای همبستگی قرائت شد و نمایندگان احزاب شرکت کننده از احزاب ایرانی تا احزاب و سازمانهای

از لندن تا لس آنجلس و اسلو و گوتنبرگ تا استکهلم و هلسینکی و تورنتو و آمستردام و زوریخ و دنهاخ و هامبورگ ایرانیان آزادیخواه به فراخوان "دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب" دانشگاه های ایران برای تبدیل روز ۱۶ فوریه به روز اعتراض سراسری برای آزادی دانشجویان زندانی پاسخ مثبت داده و روزهای ۱۵ تا ۱۷ فوریه را به روزهای شور انگیزی در حمایت از جنبش آزادیخواهی و برابری طلبی جامعه ایران تبدیل کردند.

در این روزها دهها هزار نفر از مردم جوامع اروپایی و آمریکای شمالی بوسیله حضور چشمگیر ایرانیان آزادیخواه که در حرکتی متعدد و با ایجاد کمیته های برگزاری تظاهرات ۱۶ فوریه به هر چه باشکوه تر و قدرتمندتر برگزار کردن این اعتراضات کمک کردند، متوجه بیدادگری حاکم بر مردم ایران و دانشگاه های این کشور شدند.

میدین مرکزی شهرهای عمده اروپا از میدان ترافالگار لندن تا هامبورگ و تورنتو و گوتنبرگ شاهد صدای اعتراض جامعه ایرانیان مقیم اروپا به توحش افسارگسیخته حاکم بر ایران بودند. از گذاشتن میزهای اطلاعاتی گرفته تا برگزاری تظاهراتی پر جمعیت و توزیع اوراق تبلیغی در رابطه با دستگیری و بازداشت فعالین دانشجویی که "جرمی" جز آزادیخواهی و عدالت طلبی و اعتراض به تبدیل نکردن دانشگاه به پادگان، را نداشتند و به مخاطرات جنگ علیه مردم ایران

بیانیه پایانی تجمع اعتراضی ۱۶ فوریه در میدان ترافالگار لندن

در حمایت از فراخوان دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب، ما ایرانیان و مردم آزادیخواه مقیم انگلستان، احزاب، نهادها و شخصیت‌های سیاسی در اجتماع اعتراضی شهر لندن گرد آمده ایم. ما انزجار شدید خود را از سرکوبگریهای جمهوری اسلامی در دانشگاهها، دستگیری و شکنجه فعالان دانشجویی در ایران اعلام می داریم. در نتیجه تلاش همه جانبه بین المللی، تعدادی از فعالین دانشجویی از زندان آزاد شده‌اند. اما جمعی از آنان کماکان در زندان و زیر وحشیانه‌ترین شکنجه‌ها بسر میبرند. ما خواستار آزادی فوری و بدون قید و شرط تمام فعالین دانشجویی، فعالین کارگری، فعالین جنبش زنان و فعالین حقوق مدنی و اجتماعی هستیم. ما همچنین اعلام می داریم که تا آزادی تمام دستگیر شدگان مراسم های 16 آذر و آزادی دیگر فعالین کارگری، سیاسی و مدنی به اعتراض خود به شیوه های مختلف ادامه خواهیم داد.

ما اعلام می کنیم که :

- ۱- همه دانشجویان دستگیر شده فوراً باید آزاد شوند. به شکنجه و اذیت و آزار دستگیر شدگان باید بلاواسطه پایان داده شود.
- ۲- منصور اساتلو، محمود صالحی و همه زندانیان سیاسی باید آزاد شوند.
- ۳- به حضور نیروهای نظامی و انتظامی در دانشگاهها پایان داده شود. دانشگاه محل تحصیل و کسب دانش است و پادگان نیست.
- ۴- ما از فعالیتهای موثر خانواده دانشجویان زندانی قویا حمایت میکنیم و به تمام آنها درود میفرستیم.
- ۵- ما خواستار اتحاد و همبستگی بین جنبش های کارگری ، دانشجویی ، زنان و دیگر مبارزات آزادی خواهانه مردم ایران علیه جمهوری اسلامی هستیم.
- ۶- ما اعمال شکنجه های وحشیانه علیه دانشجویان توسط رژیم و فشار آوردن به آنان برای شرکت در شوهای تلویزیونی و "اعتراف" گیری علیه باورهای خود را به شدت محکوم میکنیم و خواهان قطع فوری این اعمال جنایت کارانه هستیم .
- ۷- ما از همه احزاب و جریانات چپ، مترقی و کارگری ، از همه سازمانها، نهادها و شخصیت‌های مدافع حقوق انسان در سراسر جهان میخواهیم به هر نحو ممکن به جمهوری اسلامی اعتراض کنند و خواستار آزادی فوری دستگیر شدگان اخیر و کلیه زندان سیاسی ایران گردند.



پیام دانشجویان آزادی خواه و برابری طلب به شرکت کننده گان در اجتماعات و تظاهرات ۱۶ فوریه در سراسر جهان از سایت آزادی برابری

۱۶ فوریه، پیروزی برای آزادی خواهان و برابری طلبان

امروز شنبه ۱۶ فوریه، هزاران انسان آزادیخواه و برابری طلب در سرتاسر جهان در جواب به فراخوان ما برای اعتراض جهانی به حکومت اسلامی ایران و با خواست آزادی فوری همه دانشجویان زندانی، تجمعات، آکسیون ها و تظاهرات های متعددی را سازمان دادند.

آزادیخواهان! برابری طلبان!

همین جا لازم میدانیم که بنام همه دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب در سراسر کشور، بنام همه رفقای زندانیان، بنام همه آنان که اکنون زیر شکنجه و در زندان ها بسر میبرند، از همه شما شرکت کنندگان در این اعتراضات تشکر کنیم. مردم ایران تظاهرکنندگان امروز را در تلاش برای آزادی و برابری در کنار خود میبینند. شما همسنگران آزادی خواهان و برابری طلبان ایران هستید. باید فشار بر حکومت ایران را تا آزادی قطعی همه زندانیان ادامه داد. اینان تنها در نتیجه همین فشارهای سراسری بود که مجبور شدند فعلا به قید وثیقه تعداد زیادی از یاران ما را آزاد کنند.

امروز جنبش آزادیخواهی و برابری طلبی علیرغم دستگیری های اخیر ابعادی بسیار وسیع تر از گذشته پیدا کرده است، حکومت که با حمله گسترده و سیستماتیک خود تصور میکرد میتواند با دستگیری و شکنجه رهبران دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب، جنبش ما را خفه کند، با موج وسیعی از پیوستن نیروهای آزادی خواه و برابری طلب به ما روبرو شد. واقعیت این است که دستگاه سرکوب جمهوری اسلامی بزرگترین اشتباه خود را وقتی مرتکب شد که اقدام به سرکوب این جنبش کرد.

شما آزادیخواهان و برابری طلبان در سرتاسر جهان بخش مهمی از این جنبش هستید. ما به حمایت های بیشتر تک تک شما نیازمندیم. در کنار ما بمانید! ما تا رسیدن به تمام خواسته ها و اهداف انسانیمان از پای نخواهیم نشست.



نه قومی، نه مذهبی، زنده باد هویت انسانی